

متن مکالمه زبان انگلیسی 2 نفره با ترجمه (در شرایط مختلف)

این مقاله حاوی گفتگوهای بین روهِیت و ماهش در مورد چهار موضوع زیر است:

- تغییر شغل،
- آمادگی برای آزمون،
- آلودگی هوا در شهرها، و
- برنامه ریزی برای پیک نیک

در دیالوگ های زیر، دو شخصیت اصلی- روهِیت و ماهش- به منظور سهولت در خواندن، با کدهای رنگی نمایش داده می شوند.

1- گفتگو در مورد تغییر شغل



سناریو 1- تغییر شغل به دلیل آینده نامشخص

Rohit: You look bit down. What's the matter?

روهِیت: کمی ناراحت به نظر می رسی. موضوع چیه؟

Mahesh: (Sighs) Nothing much.

ماهش: (آه) چیز خاصی نیست.

Rohit: Looks like something isn't right.

روهیت: به نظر می‌رسد که چیزی درست نیست.

Mahesh: Ya. It's at the job front. You know that the telecom industry is going through a rough patch because of falling prices and shrinking margins. These factors along with consolidation in the industry is threatening the stability of our jobs. And even if the job remains, career growth isn't exciting.

ماهش: بله مسئله مربوط به کار! می‌دونی صنعت مخابرات به دلیل افت قیمت‌ها و کم شدن سود ناخالص، روند سختی را پشت سر می‌ذاره. این عوامل به همراه تثبیت در صنعت، ثبات شغل ما را تهدید می‌کنه. و حتی اگر این شغل از بین نره، رشد چندانی نخواهد داشت.

Rohit: I know. I've been reading about some of these issues about your industry in the newspapers. So have you thought of any plan?

روهیت: می‌دونم. در مورد بعضی از این موضوعات در مورد صنعت شما توی روزنامه‌ها خوندم. به برنامه خاصی فکر کردی؟

Mahesh: I've been thinking about it for a while, but haven't concretized anything so far.

ماهش: مدتی به فکرش دارم، اما تا حالا به نتیجه خاصی نرسیدم.

Rohit: What have you been thinking, if you can share?

روهیت: می‌تونم بپرسم، به چه چیزی فکر کردی؟

Mahesh: Well, I've been thinking of switching to an industry that has at least few decades of growth left.

ماهش: خوب، من فکر کردم که به صنعتی تغییر حرفه بدم که حداقل در چند دهه آینده رشد داشته باشه (رو به پیشرفت باشه).

Rohit: That's the right approach, but you need to reskill yourself for the industry you're targeting.

روهیت: دیدگاه درستی داری، اما باید خودت را برای صنعت مورد نظرت آماده کنی.

Mahesh: I realize that, and I've been leaning toward digital marketing because in that industry I can carry over some of my skills from the current job. Another reason for this inclination is that digital marketing requires far less hardcore technical skills, which will make it relatively easier for me to acquire new skills.

ماهش: متوجه هستم و قصد دارم با توجه به اینکه تو بازاریابی دیجیتال می تونم بعضی از مهارت های شغل فعلی ام را استفاده کنم وارد این حرفه بشم. دلیل دیگه این گرایش این هست که بازاریابی دیجیتال به مهارتهای فنی کمتری احتیاج داره، و این باعث می شه کسب مهارت های جدید برای من نسبتاً آسونتر باشه.

Rohit: Your choice makes sense. So are you thinking of making the transition in near future?

روهیت: انتخابت معقوله. به فکر تغییر در آینده نزدیک هستی؟

Mahesh: Not immediately. I need to keep the job, as I've EMIs to pay. I'm 80-90 percent sure I'll go with digital marketing as the industry to reskill in, but in the next 2-3 weeks I'll take more opinions on other options, after all I wouldn't want to change the industry again. And once I finalize the industry, I'll explore different options to reskill while keeping my current job.

ماهش: نه فوراً. من به این دلیل که باید وام باز پرداخت کنم، باید کار فعلیم را حفظ کنم. 80-90 درصد مطمئنم که در زمینه بازاریابی دیجیتال مهارت آموزی کنم، اما چون نمی خوام دوباره بعداً شغلم را تغییر بدم در عرض 2-3 هفته آینده تصمیمات دیگه ای راجع به گزینه های دیگه خواهم گرفت. و زمانیکه شغل آینده ام را نهایی کردم، در حین ادامه شغل فعلی گزینه های مختلفی را برای مهارت آموزی بررسی می کنم.

Rohit: Sounds like a plan. If you need I can put you in touch with few friends who can help you finalize your future industry.

روهیت: به نظر برنامه کاملی می رسه. در صورت نیاز می تونم تو را به چند دوست که می تونن در گرفتن تصمیم نهایی در مورد شغل آینده ات کمک کنن معرفی کنم.

Mahesh: That will be awesome. Thanks so much.

ماهش: عاليه خيلى ممنون.

Rohit: You're welcome.

روهيت: خواهش مى كنم.

سناريو 2- تغيير شغل فعلى، در همان صنعت

Rohit: Hi, how're you?

روهيت: سلام، حالت چطوره؟

Mahesh: I'm fine. What about you?

ماهش: خوبم تو چطوري؟

Rohit: Good. How's your work going on?

روهيت: خوب. کارت چطور پيش ميره؟

Mahesh: Not great.

ماهش: نه چندان خوب.

Rohit: Why? What happened?

روهيت: چرا؟ چي شده؟

Mahesh: I can't cope up with my manager. He was fine to begin with, but not anymore. But that's not the only reason.

ماهش: نمى تونم با مديرم کنار بيام. او ايل خوب بود اما الان ديگه نيست. البته اين تنها دليل نيست.

Rohit: Then?

روهيت: پس چي؟

Mahesh: Also, the commute time to the office is just too much at the moment, and I don't foresee a shift to a closer location in this organization. Too much time on the road is taking a toll on me.

ماهش: در حال حاضر رفت و آمدم به دفتر خیلی طول می کشه، و فکر نمی کنم امکان انتقال به یه جای نزدیکتر تو این سازمان را داشته باشم. وقت زیادی که تو مسیر هستنم عذابم میده.

Rohit: Got it. So have you been applying elsewhere?

روهیت: متوجه شدم. خوب جای دیگه ای هم درخواست دادی؟

Mahesh: I am, but the route of sending resumes and cover letters has so far not yielded much. It seems as if they're disappearing into a black hole, with little to no response coming. Do you know persons in the industry who can help me land interviews?

ماهش: در حال انجام همین کار هستم، اما ارسال رزومه و توصیه نامه تا حالا نتیجه چندانی نداشته. به نظر نا امید کننده می رسه، تقریباً هیچ جوابی نگرفتم. کسی را تو این زمینه می شناسی که بتونه من را به مرحله مصاحبه برسونه؟

Rohit: Sending resumes cold doesn't work well. Off hand, I don't recall a contact in your industry, but lemme try through people I know. I'll let you know.

روهیت: ارسال رزومه به تنهایی کافی نیست. در حال حاضر، کسی را تو این شغل به یاد نمیارم، اما اجازه بده از آدمایی که می شناسم سوال کنم. بهت خبر میدم.

Mahesh: Thanks.

ماهش: ممنون

2- گفتگو درباره آمادگی برای آزمون



سناریو 1-پیش از آزمون

Rohit: How is your preparation for the exam going on?

روهیت: آمادگیت برای آزمون چطور پیش میره؟

Mahesh: Not too bad, overall. I'm worried about English and chemistry, though. How is yours going on?

ماهش: در کل خیلی بد نیست. اگر چه نگران انگلیسی و شیمی هستم. وضعیت تو چگونه؟

Rohit: Mine is alright. I'm also finding chemistry to be bit challenging because of its vast syllabus and too much memorization in organic chemistry.

روهیت: وضعیت من خوب. منم با توجه به حجم زیاد و موارد حفظ کردنی زیاد شیمی آلی، کمی نگران شیمی هستم.

Mahesh: Organic chemistry has been a problem for me too. Can we study chemistry together, at least the organic part?

ماهش: شیمی آلی یکی از مشکلات منم بوده. می تونیم شیمی را با هم بخونیم حداقل شیمی آلی را؟

Rohit: Sure. I think it's a good idea. Can you help me with English though?

روهیت: حتما. فکر کنم ایده خوبی باشه. می تونی تو انگلیسی هم به من کمک کنی؟

Mahesh: Yes, I can. Where exactly in English you're facing problem?

ماهش: بله، می تونم. دقیقاً تو کدام قسمت های زبان انگلیسی مشکل داری؟

Rohit: Thanks. Prepositions and reading comprehension are the main problem areas for me.

روهیت: ممنون. حروف اضافه و درک مطلب مهمترین قسمت های مشکل ساز برای من هستن.

Mahesh: As far as prepositions are concerned, I can help you in understanding the rules. But for reading comprehension, you need to put in lots of practice to get better at it.

ماهش: در مورد حروف اضافه، می تونم قوانینش را بهت یاد بدم. اما برای درک مطلب، باید برای تقویت مهارت تمرین زیادی داشته باشی.

Rohit: OK. Will do. How's your preparation going on for other subjects?

روهیت: باشه انجام میدم. آماده سازی برای درس های دیگه چطور پیش میره؟

Mahesh: Other subjects are more or less on track. Economics, however, seems to have an inexhaustible syllabus and I don't think I'll have enough time to revise the subject.

ماهش: بقیه درس ها کم و بیش خوب پیش میرن. اما، به نظر می رسه که مطالب اقتصاد تموم نشدن باشن و فکر نمی کنم زمان کافی برای مرور داشته باشم.

Rohit: Thankfully, I don't have Economics. But, yes, I'm also struggling to get enough time for revision. Anyway, we've to manage in whatever time we have.

روهیت: خوشبختانه، من اقتصاد ندارم. اما، منم در تلاش هستم که وقت کافی برای مرور مطالب پیدا کنم. به هر حال، ما باید زمانی که داریم را مدیریت کنیم.

Mahesh: That's right. OK, enough of talk. Let's get back to study. All the best for your next exam.

ماهش: درسته، خوب به اندازه کافی صحبت کردیم. بهتره دوباره برگردیم سر درس. امیدوارم تو امتحان بعدیت موفق باشی.

Rohit: Thanks. All the best to you as well.

روهیت: ممنون. همچنین با آرزوی موفقیت برای شما.

سناریو 2- بعد از آزمون

Rohit and Mahesh come out of the examination hall after finishing English paper.

روهیت و ماهش پس از اتمام آزمون کتبی انگلیسی از سالن امتحانات خارج می شوند.

Rohit: The paper was long, wasn't it?

روهیت: آزمون طولانی بود، مگه نه؟

Mahesh: Yes, unusually long. For sure, we won't see as many 95+ marks in English this year.

ماهش: بله، به طور غیر معمولی طولانی بود. مطمئناً، امسال نمره بالاتر از 95 تو درس زبان نخواهیم دید.

Rohit: How did you do?

روهیت: تو چکار کردی؟

Mahesh: So. So. I wish I had timed myself better. In the end, I left questions worth 10 marks unattempted. How about you?

ماهش: نه خوب نه بد. ای کاش زمانبندی بهتری می کردم. چند سؤال 10 نمره ای را نتونستم انجام بدم. تو چطور؟

Rohit: I started off well. I was in fact ahead of time as long as I was on grammar and letter writing, but this year's reading comprehension passages were just too tough for me, and it completely derailed my time management.

روهیت: من خوب شروع کردم. در واقع تا زمانی که مشغول گرامر و نوشتن نامه بودم زمان کم نیاورده بودم، اما بخش خواندن و درک مطلب امسال برای من خیلی سخت بود، و مدیریت زمان را از دستم خارج کرد.

Mahesh: So, did you too fail to complete the paper?

ماهش: پس، تو هم نتونستی سوال ها را تموم کنی؟

Rohit: I did somehow manage to complete, but in the last 20-odd minutes I had to hurry so much that I guess I made quite a few mistakes. Which parts in the paper did you find particularly challenging?

روهیت: من به نوعی تونستم این کار را انجام بدم، اما در 20 دقیقه کوتاه آخر مجبور شدم خیلی عجله کنم و حدس می زنم در این حین چند تا اشتباه داشتم. کدام قسمت های امتحان برات چالش برانگیز بود؟

Mahesh: Well, English has never been my forte, and I found even parts of grammar to be challenging, besides the usual culprit – reading comprehension.

ماهش: خوب، زبان انگلیسی هیچ وقت جز درس های مورد علاقه من نبوده، و من علاوه بر مشکل (مقصر) اصلی- خواندن و درک مطلب، حتی تو بخش هایی از دستور زبان هم مشکل داشتم.

Rohit: (Sighs) Well, can't do much now. Let's hope for the best and get ready for the next one, chemistry.

روهیت: (آه) خوب، الان دیگه کار زیادی از دستمون بر نمیاد. بهتره امیدوار باشیم و برای امتحان بعدی، شیمی، آماده بشیم.

Mahesh: You're right. Let's get back to studies. Few more hard days to go.

ماهش: حق با توست. بهتر بریم درس بخونیم. فقط چند روز سخت دیگه مونده.

3- گفتگو درباره آلودگی هوا در شهرها



Rohit: Hi Mahesh, how're you doing?

روهیت: سلام ماهش، چطوری؟

Mahesh: I'm good. How about you?

ماهش: من خوبم شما چطوری؟

Rohit: I'm fine too. How're you coping with Delhi's pollution?

روهیت: منم خوبم. با آلودگی هوای دهلی چه می کنی؟

Mahesh: It's really terrible, especially in winter months. I recently bought a pollution mask to mitigate the effect of pollution, but you can't wear it all the time. But what to do at home?

ماهش: آلودگی مخصوصا تو ماه های زمستون خیلی وحشتناک. تازگیا یک ماسک آلودگی برای کم کردن اثر آلودگی هوا خریدم، اما همیشه نمی شه ازش استفاده کرد. وقتی تو خونه هستیم چه کنیم؟

Rohit: Air purifiers. Don't they work well?

روهیت: دستگاه های تصفیه هوا. خوب نیستن؟

Mahesh: They do, but they aren't affordable for everyone. Moreover, would you want to run them for so many hours every day and for so many months?

ماهش: هستن، اما برای همه مقرون به صرفه نیستن. به علاوه، آیا میتونی از این دستگاه ها ساعت های طولانی در روز درعرض چند ماه استفاده کنی؟

Rohit: You've a point. I'm also planning to buy a pollution mask. What would you recommend?

روهیت: به نکته خوبی اشاره کردی. منم می خوام یک ماسک آلودگی بخرم. پیشنهاد تو چیه؟

Mahesh: I bought an N99 mask which cost me just over INR 2,000/-. I've tried the cheap ones as well – the ones that cost 15-20 rupees apiece – but they actually turn out to be more expensive.

ماهش: من یک ماسک N99 خریدم که بیشتر از 2,000 روپیه برام تموم شد. من ماسک های ارزون قیمت هم امتحان کردم – که قیمتشون بین 15-20 روپیه است- اما اونا هم گرون تر شدن.

Rohit: More expensive? How?

روهیت: گرونتر؟ چقدر؟

Mahesh: The cheap ones can at best be used 2-3 times. Whereas, the one I'm using can be used for few hundred hours. So the cost of cheap ones add up fast. But more importantly, the cheap ones aren't as effective as the N99 I'm using in filtering the pollutants. That's critical, right. What's the point of using a mask if it's not filtering the harmful pollutants?

ماهش: ارزونترین ها در بهترین حالت می تونن 2-3 بار استفاده بشن. اما، ماسکی که من استفاده می کنم چند صد ساعت قابل استفاده است. قیمت ماسک های ارزون سریع بالا می ره. اما مهمتر از همه، این هست که ماسک های ارزون به اندازه N99 من تو فیلتر کردن آلاینده ها مؤثر نیستن. این نکته مهم هست نه. در صورتی که نئونه آلاینده های مضر را فیلتر کنه، دیگه چرا از ماسک استفاده کنیم؟

Rohit: Agree. Anything else on pollution masks?

روهیت: موافقم. نکته دیگه ای درمورد ماسک های آلودگی وجود نداره؟

Mahesh: Prefer a mask with exhalation valves. Valves help you exhale easily, especially when you're out of breath after walking fast or climbing stairs, and prevent buildup of moisture.

ماهش: من ماسک هایی که برای نفس کشیدن دریچه دارن را ترجیح می دم. دریچه ها به شما کمک می کنن تا به راحتی نفس بکشید، به خصوص وقتی که بعد از راه رفتن سریع یا بالا رفتن از پله ها نفستون بند اومده و از ایجاد رطوبت هم جلوگیری می کنن.

Mahesh: We've been breathing the toxic air for the last few years. Do you foresee any abatement in pollution levels in near future, say this winter?

ماهش: ما چندین سال هست که هوای سمی را تنفس می کنیم. فکر می کنی در آینده نزدیک فرض کن زمستان امسال شاهد کاهش سطح آلودگی هوا باشیم؟

Rohit: I think it'll be marginal at best. Vehicular pollution can be controlled by taking the fuel-inefficient, polluting old vehicles off the roads, but will it happen. Who is going to bell

the cat to control stubble burning in the neighboring states? Construction activity is probably the easiest of the three to control.

روهیت: فکر می‌کنم در بهترین حالت کمتر بشه. با حذف وسایل نقلیه قدیمی آلاینده از جاده‌ها، می‌تونیم آلودگی وسایل نقلیه را کنترل کنیم، اما آیا این اتفاق می‌افته. چه کسی می‌تونه سوزاندن کاهبن را در ایالت‌های همسایه کنترل کنه؟ کنترل فعالیت‌های ساختمانی احتمالاً ساده‌ترین کار بین این سه مورد هست.

Mahesh: What about pollution from firecrackers on Diwali?

ماهش: نظرت درمورد آلودگی ناشی از ترقه‌های جشن دیوالی چیه؟

Rohit: There have been some restrictions on use of firecrackers at least in Delhi, but implementation is not easy. To be honest, I'm not too worried about firecrackers because their effect is only for few days. I'm more worried about the month-on-month high level of pollution arising out of other factors.

روهیت: محدودیت‌هایی در استفاده از ترقه‌ها حداقل در دهلی وجود داره، اما اعمال این محدودیت‌ها کار ساده‌ای نیست. صادقانه بگم، من نگران ترقه‌ها نیستم چرا که اثر اون‌ها فقط برای چند روزه. من بیشتر نگران سطح آلودگی ماهانه ناشی از عوامل دیگه هستم.

Mahesh: I agree with your points, but I think citizens too have some role in curbing pollution. We can stop or report people from burning polythene bags and other hazardous waste in winter. We can also report construction activities in our neighborhood during the period it is banned.

ماهش: من با نظرات موافقم، اما فکر می‌کنم شهروندا هم در جلوگیری از آلودگی نقش دارن. ما می‌تونیم سوزوندن کیسه‌های پلی‌اتیلن و سایر زباله‌های خطرناک تو فصل زمستون را متوقف یا گزارش کنیم. همچنین می‌تونیم در دوره‌های زمانی که ممنوع هست، فعالیت‌های ساختمانی توی محله مون را گزارش بدیم.

Rohit: True. What we often don't pay attention to is the fact that pollution, especially in the winter months is not just a Delhi phenomenon. It grips most of North India. In fact, the Air Quality Index (AQI) of smaller cities such as Gwalior, Agra, and Lucknow often gets worse than Delhi's, and they don't get the same coverage in the national media as big cities such as Delhi do.

روهیت: درسته. چیزی که اغلب به اون توجه نمی کنیم این واقعیت هست که آلودگی، به ویژه تو ماه های زمستون، فقط مربوط به دهلی نیست. بلکه بیشتر قسمت های شمالی هند را درگیر می کنه. در حقیقت، شاخص کیفیت هوا AQI توی شهرهای کوچکتتر مثل Agra, Gwalior و Lucknow اغلب از دهلی نو بدتره و این شهرها به اندازه شهرهای بزرگی مثل دهلی تحت پوشش رسانه ای قرار نمی گیرن.

Mahesh: That's right. And pollution is exacting such a heavy toll on human life. I was reading in the newspaper the other day that India has the dubious distinction of most deaths because of pollution and most of them are attributed to air pollution. In 2015, a staggering 2.5 + million people died in India because of pollution.

ماهش: درسته. و آلودگی داره اثرات سنگینی را روی زندگی بشر می زاره. چند روز پیش تو روزنامه می خوندم که عمده مشکلات مرگ و میر در هند به دلیل آلودگی است و بیشتر اونها به آلودگی هوا نسبت داده شدن. در سال 2015، بیشتر از 2.5 میلیون نفر در هند به دلیل آلودگی جونشون را از دست دادن.

Rohit: I too recall reading in the newspaper that the AQI in New Delhi entered the satisfactory zone for the first time in several months during the rainy season. Things have come to such a pass that we heave a sigh of relief when the AQI moves from very poor to poor category. Imagine, satisfactory levels come once in few months and that too by the grace of nature (rainfall). AQI in good category seems to be a distant dream.

روهیت: یادم میاد تو روزنامه خوندم که شاخص آلودگی هوا تو دهلی نو برای اولین بار طی چند ماه گذشته در فصل بارندگی وارد وضعیت سالم شده. شرایط جوری شده که وقتی AQI از وضعیت خیلی بد به بد تغییر می کنه، احساس آرامش می کنیم. فکر کن، سطح آلاینده ها در عرض چند ماه فقط یک بار به شرایط مطلوب میرسه اون هم به لطف طبیعت (بارندگی). کیفیت هوای سالم به نظر یک رویای دست نیافتنی میاد.

Mahesh: You've summed the state of affairs quite well. Let's hope things improve.

ماهش: وضعیت را خیلی خوب خلاصه کردی. بیا امیدوار باشیم که اوضاع بهتر میشه.

Rohit: Ya.

روهیت: بله

4- گفتگو درباره برنامه ریزی پیک نیک



Rohit: Hey, what's up?

روهیت: سلام، چه خبر؟

Mahesh: Everything is going smooth. What about you?

ماهش: همه چیز خوبه. تو چطور؟

Rohit: Same here. What's your plan for this weekend?

روهیت: منم همینطور. برنامه ت برای آخر هفته چیه؟

Mahesh: Nothing much. Do you have something in mind?

ماهش: برنامه خاصی ندارم. تو پیشنهادی داری؟

Rohit: I've been thinking about going out on a picnic since the last weekend. What do you say?

روهیت: من از هفته پیش تو فکر پیک نیک رفتن هستم. نظرت چیه؟

Mahesh: Not a bad idea. I'm up for it. Even I've been tired of loitering around malls and movie theaters on the weekends. Outdoors would be great. Do you've a location in mind?

ماهش: ایده بدی نیست. من واسه انجامش حاضرم. دیگه از گذروندن تعطیلات آخر هفته تو بازارها و سینماها خسته شدم. فضای باز عالییه. جایی خاصی را در نظر داری؟

Rohit: How about Tava? It's relatively remote and just three-hour drive. We can in fact stay a night there in the government guest house maintained by the forest department.

روهیت: تاوا چطوره؟ زیاد دور نیست و با ماشین فقط سه ساعت راهه. ما می تونیم یه شب تو مهمونخونه دولت که توسط اداره جنگلداری اداره می شه بمونیم.

Mahesh: Can you tell more about the place? What activities we can take to there?

ماهش: می تونی در مورد تاوا بیشتر بگی؟ چه فعالیتهایی را می تونیم اونجا انجام بدیم؟

Rohit: The guest house is located on a small hillock overlooking the backwaters of a dam. It's picturesque. We can make the guest house our base and undertake different activities in the surrounding area.

روهیت: مهمون خونه روی یک تپه کوچک مشرف به آب پشت سد قرار داره. زیباست. ما می تونیم مهمون خونه را محل اقامت خودمون کنیم و تو مناطق اطراف کارهای مختلفی انجام بدیم.

Mahesh: The location sounds exciting.

ماهش: جای جالبی به نظر می رسه.

Rohit: We can hike down from the guest house to the backwater in an hour or so, spend some time there, then walk on a different trail, and then finally walk back up to the guest house in the evening. We can also take boat ride on the backwater, but for that we'll have to walk 2-3 kilometers, which isn't a big deal. There is forest all around that area, and on the next day we can loiter around. You'll get perfect solitude in the area.

روهیت: ما می تونیم در عرض حدود یه ساعت پیاده از مهمون خونه تا نزدیکی آبهای پشت سد بریم، مدتی را اونجا باشیم، بعد تو یه مسیر متفاوت قدم بزنینم، و نهایتا عصر به مهمون خونه برگردیم. حتی می تونیم روی آب های پشت سد قایق سواری کنیم، اما برای این کار باید 2-3 کیلومتر دیگه راه بریم، که کار سختی هم نیست.

اطراف اون منطقه کاملا جنگلی هست و روز بعد می تونیم اون اطراف وقت بگذرونیم. می تونیم تنهایی را اونجا تجربه کنیم.

Mahesh: Can we cook own food? Because that's a key ingredient of any picnic.

ماهش: می تونیم خودمون غذا بپزیم؟ چون این یکی از عناصر اصلی هر پیک نیک حساب میشه.

Rohit: I'm not sure about it. We can carry the raw material, but we can get confirmation only when we reach there.

روهیت: در این مورد مطمئن نیستم. ما می تونیم مواد اولیه را با خودمون ببریم، اما تا به اونجا نرسیدیم نمی تونیم مطمئن بشیم.

Mahesh: OK.

ماهش: باشه.

Rohit: I forgot to mention that we can even play volleyball or cricket close to the bank of the backwater, which has a sandy beach.

روهیت: فراموش کردم بگم که حتی می تونیم تو حاشیه آب سد که یه ساحل شنی هست والیبال یا کریکت بازی کنیم.

Mahesh: Sandy beach, wow!

ماهش: ساحل شنی، وای!

Rohit: It's not like what you'll get on a coastline, but it's awesome considering the fact that it's so close to us. OK, so what's the plan?

روهیت: البته ساحلش مثل یه خط ساحلی نیست، اما با توجه به این که به ما نزدیک خیلی خوبه. خوب، پس برنامه چیه؟

Mahesh: I'm definitely in. Let's ask few more friends. We should aim for 5-6.

ماهش: من حتما میام. هزار از چند تا از دوستای دیگه مون هم بپرسیم. ما باید 5-6 نفر بشیم.

Rohit: Agree. Once we've people in, we can pool in different resources – food, vehicle, and other items.

روهیت: موافقم. وقتی این تعداد را پیدا کردیم، می‌تونیم چیزای مختلف- مواد غذایی، وسیله نقلیه و ... جمع کنیم.

Mahesh: Let's speak to others today and get the final consent by tomorrow.

ماهش: اجازه بده امروز با بقیه صحبت کنیم و تا فردا به توافق نهایی برسیم.

Rohit: Sounds good.

روهیت: خوبه.